

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بُن - المان، اپریل ۱۹۹۹م

دود مجمر

صدائی از دل بشکسته من بر نمی خیزد
ازین ویرانه آهنگ خوشی دیگر نمی خیزد
ز سوز سینه من ساز موزونی نمی جوشد
ازین بگسسته تار افسوس صوت تر نمی خیزد
خمار آلوده چشمان ترا نازم که مست او
ز بستر جز به دور باده و ساغر نمی خیزد
گرفته خاطر من از خانقاه و مسجد ای زاهد
که غیر از وعظ خشک از گوشه منبر نمی خیزد
ز خواب آلوده بخت من چه میپرسی که میبینم
ز بانگ صور، این خوابیده در محشر نمی خیزد
به راه عشق او برخاستم از جان و دل اما
پی تسکین جان بی کسم، دلبر نمی خیزد
سپندم ساختی، در مجمر افسونم افگندی
که دودی هم ازین یکدانه در مجمر نمی خیزد
کمر بسته به قتل دوستان مستانه می خیزی
مسلمانی چنین، در کشتن کافر نمی خیزد
سمنبو گلبنی چون تو درین گلشن نمی روید
سهمی سروی ز سرو قامتت بهتر نمی خیزد

«اسیر» از طرز گفتار تو میدانم که در محشر
چو تو نامه سیاه سرکش خود سر نمی خیزد
ترا گفتند «اسیر» از پا افتاده، دستگیری کن
تبسم کردی و گفتی که او دیگر نمی خیزد